

مقاله احکام مسابقات و برد و باخت در آنها

قدرت اله نیازی^۱، مهناز فرهادی^۲

^۱ استادیار دانشگاه بوعلی سینا

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بوعلی سینا

نام نویسنده مسئول:

مهناز فرهادی

چکیده

بی‌گمان بازی بدون برد و باخت از جمله موضوعات و مباحث مورد ابتلا است که بایستی کندوکاوی عمیق با توجه به جوانب گوناگون می‌باشد. تحقیق درباره بردو باخت در مسابقات از آن رو که بیش از گذشته مورد ابتلای جامعه و حکومت واقع شود و از سوی دیگر پرسشهای فقهی فراوان نسبت به آن مطرح است از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد. از جمله پرسشهای فقهی عبارتند از

۱. آیا مسابقات همانند گذشته ابزاری ویژه قمار است و یا این که تغییر کاربردی و موضوعی در آن حاصل شده است؟
۲. معیار در وسایل ویژه قمار چیست و تشخیص آن با چه کسانی است؟ مجتهد، مکلف و یا متخصصین فن؟
۳. بر فرض تغییر کاربرد بردو باخت در مسابقات آیا حکم فقهی بازی با آن تغییر می‌کند یا نه؟
۴. آیا طرح حرمت بازی در شمار مکاسب محرمة از سوی فقهای صدر اول می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این که اگر در بازی برد و باخت و کسب نباشد حرام نیز نخواهد بود؟
۵. آیا در مفهوم قمار برد و باخت اخذ می‌شود و یا این که هر گونه بازی هر چند بدون برد و باخت قمار به شمار می‌آید؟
۶. مبانی فقهی کسانی که بازی بدون برد و باخت را حرام می‌دانند از نظر آثار و توسعه و ضیق یکسان است یا نه؟
۷. اشکال فقیهانی همانند حضرت امام خمینی و حضرت آیه‌الله سید احمد خوانساری در حرمت بازی در مسابقات بر چه اساسی و مبنایی است؟ آیا این مبانی یکسانند یا نه؟ آنچه گذشت برخی از پرسشهای مطرح در ارتباط با بازی بدون برد و باخت است. این نوشته در پی آن است تا بحث را از نگاه حضرت آیه‌الله سید احمد خوانساری مورد بررسی قرار دهد.

پیش از آغاز بحث یادآوری چند نکته سودمند خواهد بود:

۱. حضرت آیه‌الله خوانساری بحث را تحت عنوان بازی بدون برد و باخت با ابزار قمار مطرح کرده‌اند و از خصوص بازی بدون برد و باخت بحث جداگانه‌ای نکرده‌اند، لیکن یکی از مصادیق کامل بحث ایشان مسابقات است به ویژه این که در بیشتر ادله مورد نقد و بررسی ایشان نام برده شده است.
 ۲. آنچه در این نوشته به آیه‌الله خوانساری نسبت داده می‌شود خدشه در ادله حرمت بازی با وسایل مخصوص قمار است اما فتوای ایشان به دست نیامد، زیرا این مساله در توضیح المسائل وی مطرح نشده. ممکن است فتوای ایشان احتیاط باشد هر چند مقتضای بحث علمی او فتوا به جواز است.
 ۳. اگر چه مقتضای بحث علمی جواز بازی بدون برد و باخت است لیکن احتیاط همیشه شایسته و مطلوب شارع بوده است. چه بسا منشا فتوا به عدم حلیت توسط برخی از فقها احتیاط باشد.
- همچنین شیوه‌ی تحلیل و روش پژوهش به کار گرفته شده در پژوهش مورد نظر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات بدست آمده در این پژوهش از بررسی منابعی چون کتب، صورت گرفته است و به روش کتابخانه‌ای-متنی است.

واژگان کلیدی: احکام، شرط‌بندی، مسابقه، بردو باخت، عقد و وعده.

مقدمه

از قدیم بخشی از زندگی و عمر انسانها را مسابقه ها پر می کرده است. شماری برای آمادگی رزمی و شماری به انگیزه سرگرمی و وقت گذرانی و شماری هم برای بردوباخت و سود مادی و اقتصادی در مسابقه های گوناگون شرکت می جستند.

در سیر فراز و نشیب تمدن بشری، این مساله روزه روز گسترده تر و کامل تر شده و در زمان ما، دامنه آن گسترش شگفت انگیز و متنوعی پیدا کرده است، تا آن جا که می توان گفت: بسیاری از اوقات آسودگی از کار مردمان و بخش مهمی از نگرانیها، دغدغه ها و دل مشغولیهای جوانان و نوجوانان را ویژه خود ساخته است.

در این زمینه، افزون بر مسائل فنی و تکنیکی که باید نظام اسلامی برای آن سرمایه گذاری کند و بر جایگاه تبلیغی این بازیها و مسابقه ها و نقشی که بازیکنان می توانند در شناساندن فرهنگ، آداب و سنن، آیین و مرام و انقلاب اسلامی و هدفها و برنامه ها و ارزشهای آن در سراسر جهان، داشته باشند، بحثها و گفتگوهای مهم دیگری نیز از دیدگاه فقهی و شرعی مطرح است، بخشی از پرسشها ویژه مشروع بودن و نبودن پاره ای از این مسابقه هاست، مانند: اتومبیل رانی، موتورسواری، دیوارمرگ و...

پاره ای از دیگر در این باره است که: آیا بر آنچه در متون اسلامی به عنوان مسابقه و گروبنندی و بردوباخت پذیرفته شده، مانند: اسب دوانی، تیراندازی و... نمی شود چیزی را افزود؟ یا آن نمونه ها، مربوط به زمان صدور روایات است و در این زمان، از سلاحهای جدید و پیشرفته که برای دفاع و رزم از آنها استفاده می شود، در آنها نیز مسابقه و گروبنندی رواست؟

آیا ورزشهایی چون: دویدن، کشتی، دوچرخه سواری، فوتبال، والیبال، تنیس، جودو، کاراته، قایق رانی، شنا وزنه برداری و... جایز هستند؟ آیا از دیدگاه شرعی و فقهی می توان در این موارد نیز، مانند اسب سواری و تیراندازی بردوباخت کرد یا نه؟

پاره ای از پرسشها به چگونگی و شیوه اجرایی و عملی و قالب بازیها اختصاص دارد و در پاره ای هم، سخن از این است: آیا مسابقه و بازی همراه بردوباخت، تنها و تنها همان چند بازی است، یا می توان با توجه به وجود ملاک، آن را گسترش داد؟ آیا انگیزه ها و هدفها در ورزش و مسابقه ها در مشروع بودن اثر دارد، یا ندارد؟ اگر برای نیرومند گردانیدن و تواناسازی بنیه جسمی و شادابی بدن و از بین بردن کسالت و پژمردگی روح و روان، کسی پا به عرصه ورزش گذاشت و با کسی دیگر یا گروهی دیگر به رقابت و مسابقه پرداخت، چه حکمی دارد؟ اگر قائل به جواز شدیم، چنانکه بیش تر فقها بر آنند، آیا راه حلی برای گروبنندی و شرطبندی وجود دارد یا نه؟ اگر جایزه و عوض از سوی نهادها، باشگاهها، سازمانها و یا دولت داده شود، اشکال دارد یا خیر؟

اگر افرادی که مسابقه می دهند بخواهند خودشان جایزه تعیین کنند و به گروه پیروز بپردازند، رواست یا خیر؟

گسترده‌گی ورزش و گونه گونی مسابقه های علمی و عملی، می طلبد که فقه پژوهان در این زمینه به موضوع شناسی ژرف و کارشناسانه بپردازند، آن گاه حکم شرعی و فقهی بازیها و مسابقه ها را در منابع اسلامی بجویند. در این نوشتار برآنیم که احکام فقهی مسابقه ها را از دیدگاه فقیهان بزرگ به بوته بررسی بگذاریم.

یادآوری: ناگفته نماند که انتظار ما از نوشته های این بزرگان آن نیست که به تمام پرسشهای کهنه و نو پاسخ گو باشند، بلکه با بررسی مبانی فتوایی ایشان راه چاره خواهیم یافت و به کمک فقیهان پسین، دیدگاههای فقهی پیشین را پرورش و گسترش خواهیم داد.

۲. تبیین مفاهیم**۲. ۱. مفهوم شرطبندی**

شرط بندی به شرط کردن مالی برای کسی که در مسابقه یا قمار برنده شود گفته می شود.

شرط بندی که در لغت عرب از آن به «رهان» تعبیر می شود، عبارت است از قرار دادن مالی معین در وسط برای فرد برنده در قمار، مسابقه و مانند آن. از احکام آن در باب تجارت و سبق و رمایه سخن گفته اند.

۱- مفهوم مسابقه و گونه های آن

دکتر معین در کتاب لغت نامه خود مسابقه را این گونه تعریف می کند: [سبق، به معنای پیشی گرفتن بر یکدیگر در دویدن، تاختن، جنگیدن و...] است. در این واژه، به گونه ای مفهوم رقابت، پیشتازی، پیش آهنگی نهفته است، در برابر واژه «لحوق» که به معنای پیوستن است. در هر عرصه و زمینه ای: علمی، فکری، عملی و... آن که جلو می افتد و زودتر از دیگران به مقصد از پیش تعیین شده می رسد و بر رقیب پیروز می گردد، به او «سابق» و پیشتاز گفته می شود و گویند: «گوی سبقت از دیگران ربود.»

این واژه در قرآن کریم و احادیث کاربرد گوناگون و فراوان دارد:

«انا ذهبنا نستبق و ترکنا یوسف عند متاعنا.»^۱

^۱. سوره یوسف، آیه ۱۷

[گفتند: ای پدر] ما به مسابقه رفته بودیم و یوسف را نزد کلاهی خود گذاشته بودیم.

«واستبقا الباب.»^۱ هر دو [یوسف و زن عزیز مصر] به جانب در دویدند.

«فاستبقوا الصراط.»^۲ پس شتابان آهنگ صراط کنند. و...

ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «استباق» و پیشی گرفتن در قرآن به سه معنی آمده است:

۱- تیراندازی، که از آیه نخست استفاده می شود و جریان فرزندان یعقوب (ع) با برادرشان یوسف را بازگو می کند.

۲- پیش افتادن در هدف، که از دومین آیه مورد اشاره در داستان یوسف و زن عزیز مصر به دست می آید.

۳- گذشتن و عبور کردن، که سومین آیه بر آن دلالت دارد.

به نظر این لغت شناس مورد اول و دوم، مفهوم «مسابقه» را می رساند و مورد سوم «سبقت» را.^۳

در روایات هم، این واژه و دیگر برگرفته های از آن، همین بار مفهومی را دارند.

مفهوم «سبق» بر اثر کاربرد فراوان در مباحث فقهی، حقیقت در عقد ویژه ای پیدا کرده که دارای دو رکن و دو انشاء پیوسته به هم

(ایجاب و قبول) است. در اصطلاح فقها و تعریف فقهی «سبق» به تملیکی گفته می شود که در برابر کار و عمل قرار می گیرد؛ به همین

جهت، در فقه کتابی با عنوان: «سبق و رمایه» در شمار دیگر کتاب های فقهی نگارش یافته است.

سبق به معنای نخست، در اصطلاح عبارت است از قرارداد شرعی که بر مسابقه اسب دوانی و مانند آن، همچون قاطر و الاغ و نیز شتر

و فیل، در ازای عوضی معین برای برنده، میان مسابقه دهندگان منعقد می شود. برخی، آن را به معامله بر مسابقه اسب دوانی و مانند آن برای

شناسایی سوارکار ماهرتر و برتر از میان مسابقه دهندگان، تعریف کرده اند. برخی دیگر به قرارداد مشروع در برابر عوض با هدف تمرین و

ممارست بر جهاد در راه خدا، و گروه چهارم آن را به عقدی که مفاد آن استحقاق فرد برنده نسبت به عوض تعیین شده است، تعریف نموده اند.

نتیجه همه تعاریف یاد شده یک حقیقت است که در فارسی از آن به شرط بندی (گرو گذاری) تعبیر می شود و به فرد پیشتاز جایزه می دهند.

عنوان سبق در کنار «رمایه» (السبق و الرمایه) عنوان بایی مستقل در فقه است که از احکام آن دو در این باب به تفصیل سخن گفته اند. احکام

سبق عدم جواز شرط بندی جز در سبق و رمایه در مسابقات، شرط بندی جایز نیست، جز در مسابقه یاد شده و رمایه که از این حکم استثنا

شده اند؛ بلکه در راستای ایجاد و افزایش آمادگی دفاعی سپاهیان اسلام، بر آنها تأکید و بدانها ترغیب شده است. مطرح بودن تمام بحث های باب

رمایه در باب سبق آنچه در ماهیت عقد رمایه گفته شد، که آیا عقدی مستقل است یا نه و آیا لازم است یا جایز؟ همچنین شرایط مذکور در

آن عقد، در سبق نیز مطرح است. شرایط صحت سبق امور زیر در صحت سبق شرط است. ۱. تعیین مبدأ و مقصد مسافت. ۲. تعیین عوض.

۳. تعیین حیوان مسابقه از اسب، الاغ و قاطر با مشاهده. بنابر این، توصیف کفایت نمی کند. ۴. همسانی و هم تایی اسب های مسابقه در احتمال

پیشی گرفتن. بنابر این اگر یکی از اسبها ناتوان، و جاماندن آن از مسابقه یقینی باشد، مسابقه صحیح نخواهد بود. ۵. قرار دادن عوض در

مسابقه برای برنده یا محلل (داور مسابقه). بنابر این، قرار دادن عوض برای غیر آنان صحیح نیست؛ چنان که قراردادن آن برای بازنده نیز - از

این جهت که نقض غرض است - صحیح نمی باشد. در اینکه برابری مسابقه دهندگان در محل ایستادن نیز شرط صحت عقد است یا نه، اختلاف

می باشد. معاطات و سبق به قول برخی در سبق معاطات نیز جاری است. الفاظ به کار رفته در سبق در مسابقه اسب دوانی و مانند آن، این

الفاظ به کار می روند: ۱. سَبَقُ (به سکون با) که عقد مخصوص و سَبَقُ (به فتح با) که عوض است و از آن به «خَطَر» نیز تعبیر کرده اند. ۲.

محلل (داور مسابقه). الفاظ به کار رفته در اسبها از اسبها نیز بر حسب پیشی گرفتن و جاماندن با عناوین ذیل یاد می شود: - سابق ۱. سابق

(مَجَلِّي)؛ اسبی که بر همه اسبها پیشی گرفته است. بنابر مشهور، ملاک در پیشی گرفتن، جلو افتادن گردن و بر آمدگی میان دو شانه (کاهل)

اسب از دیگر اسبها است. از برخی قدما کفایت پیشی گرفتن به گوشها نیز نقل شده است؛ لیکن برخی ملاک را نظر عرف دانسته اند، مگر آنکه

در عقد برای آن ملاک دیگری ذکر شود. - مصلی ۲. مصلی؛ اسبی که سر آن محاذی با استخوانهای سمت راست و چپ دم اسب سابق قرار

دارد. - دیگر الفاظ برای اسبهای دیگر ۳. تالی، بارع، مُرتاح، حظی، عاطف، مؤمل، لطیم و سَکیت یا سَکیت به ترتیب برای اسبهای سوم تا

دهم. آخرین اسب که از همه اسبها عقب تر مانده، فُسْکَل یا فُسْکَل نامیده می شود. برای اسبهای دهم به بعد جز اسب آخر نامی انتخاب نشده

است. البته هیچ یک از این نامها تأثیری در احکام سبق ندارد.

البته در این که «سبق و رمایه» عقدی مستقل و ویژه است، یا احکامی مانند «جعاله» و «اجاره» بر آن بار است، مورد بحث است.^۴

به هر حال، این عقد، چهار پایه و رکن دارد که در کتاب «سبق و رمایه»، از آن بحث می شود:

۱. همان، آیه ۲۵.

۲. سوره یس، آیه ۶۶.

۳. ابن منظور، «لسان العرب»، ج ۱۵۲/۱۰، نشر ادب الحوزة، قم.

۴. محمد حسن نجفی، «جواهر الکلام»، ج ۲۲۲/۲۸، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

الف. مسابقه دهندگان باید بالغ و عاقل باشند.
 ب. ابزاری که با آنها مسابقه انجام می گیرد، همان‌هایی باشد که در فقه معین شده است.
 ج. در مسابقه های روا و جایز، آنچه به عنوان عوض به طرف مقابل پرداخته می شود، ویژگی ندارد، می شود کالای بیرونی باشد، یا در ذمه و عهده، نقد باشد، یا نسیه و...
 د. جایزه بردگان رواست که از بیت المال پرداخت شود. یا از سوی پیشوا و رهبر مسلمانان و یا سازمان و شخص دیگری غیر از مسابقه دهندگان.
 در این که آیا خود مسابقه دهندگان نیز می توانند به یکدیگر جایزه بدهند، یا نه، مورد بحث است، گرچه مشهور از فقهای شیعه آن را روا شمرده اند.^۱
 ۳. اقسام مسابقات

الف) مسابقات لهوی: مسابقات لهوی سرگرمی لذت بخش و غیرمهم در زندگی است که توجه انسان را به خود مشغول می سازد. به طوری که انسان ورزش‌های اصلی و مهم زندگی را فراموش می کند. از منظر مفسران قرآن و روایات، مسابقات لهوی، جلوی پیشرفت ورزشی انسان را می گیرد. از منظر فقها، مسابقات لهوی، ممنوع و ناسالم است. عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که بعضی از مسابقات لهوی باعث بی توجهی انسان به کارهای مهم و اصلی ورزشی نمی شوند، بنابراین مجاز و سالم هستند.^۲

ب) مسابقات رزمی: به سیستم‌ها و سنت‌های مدونی از تکنیک‌ها و فنون مبارزه‌ای گفته می شود که با انگیزه‌ها و دلایل متفاوتی تمرین می شوند؛ برای دفاع شخصی، رقابت در مسابقات، سلامتی بدنی و تناسب اندام، سرگرمی و تفریح و همچنین رشد و تعالی ذهنی، جسمی و معنوی.^۳
 ۴. انواع مسابقه ها

در یک نگاه کلی، از دیدگاه فقه و فقیهان، مسابقه ها را به چهار بخش می توان تقسیم و ترسیم کرد:

۱. مسابقه با عوض و با ابزار قمار.
 ۲. مسابقه بدون عوض و با ابزار قمار.
 ۳. مسابقه بی عوض، بدون ابزار قمار.
 ۴. مسابقه با عوض، بدون ابزار قمار.^۴
- ما در این نوشته گونه های مسابقه را در زیر سه عنوان، بررسی خواهیم کرد، بدین شرح:
۱. مسابقه با ابزار قمار. ۲. مسابقه برای تواناسازی بدن. ۳. مسابقه های سرگرم کننده و تفریحی.

۲- مسابقه با ابزار قمار

مسابقه هایی که با ابزار قمار انجام می پذیرد، به نوبه خود دو گونه است:
 الف. با گروبنندی و بردوباخت.
 ب. بدون گروبنندی.
 در جایی که بازی با ابزار قمار انجام پذیرد و در آن عوض و بردوباخت نیز باشد، همه فقیهان شیعه اتفاق نظر دارند که حرام است، هم از جهت تکلیفی و هم از جهت وضعی.

سید احمد خوانساری می نویسد: «اللعب بآلات القمار مع الرهن ولا اشكال فی حرمة و حرمة العوض للاجماع والاخبار.»^۵
 در این که بازی با ابزار قمار با گروبنندی حرام است، اشکالی نیست و دلیل آن اجماع و روایات است.

۱. همان/ ۲۲۸.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۵۸ و مصطفوی، التحقيق، ج ۱۰، ص ۲۷۳

۳. (مجموعه آثار)، شهید مطهری، ج ۳، ص ۱۸۹.

۴. شیخ انصاری، «مکاسب»، چاپ شده در «تراث الشيخ الاعظم»، ج ۳۷۱/۱۴؛ «مصباح الفقاهة»، سید ابوالقاسم خویی، ج ۳۶۸/۱، وجدانی.

۵. سید احمد خوانساری، «جامع المدارک فی شرح المختصر النافع»، ج ۲۷/۳، مؤسسه اسماعیلیان.

حرام بودن بردو باخت و بازی با آنچه به عنوان ابزار قمار شناخته شده، نه تنها در میان فقیهان شیعه مطرح است، بلکه عالمان اهل سنت نیز بر این نظرند.^۱

در نوشته های فقهی، دلایلی فراوان و گونه گونی بر این فتوا و نظر آورده اند که همواره در بررسیهای فقهی، در بوته نقد بوده است، از جمله:

«انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون.»^۲
 آی کسانی که ایمان آورده اید [شراب و قمار و بتها و ازلام] که یک نوع بخت آزمایی بوده [پلیدند و از عمل شیطان، از آنها دوری گزینند تا رستگار شوید.

«میسر» به معنای قمار بازی و بردو باخت با آلت قمار است:
 «گفته شده که واژه «میسر» از ریشه یسر و آسانی است، چونکه به وسیله قمار مال و ثروت به آسانی به دست می آید و یا این که برای برنده، گشایش حاصل می شود.»^۳

در آیه شریفه، از این کار به عنوان کار پلید و شیطانی یاد شده که باید از آن پرهیز شود. محقق خوانساری، به مناسبت طهارت و نجاست خمر، روشن گریهایی درباره استدلال به این آیه دارد:

«... ان المتبادر من الاجتناب من کل شیء الاجتناب عما يتعارف فی الاقتراب منه مثلا المتعارف... فی اقتراب المیسر اللعاب به.»^۴
 آنچه از واژه «اجتناب» در هر چیزی به ذهن می آید آن است که: دوری گزیدن از آنچه که در عرف آن را نزدیک شدن می شمارند در مثل بازی کردن با ابزار قمار، نزدیک شدن به آنهاست و اجتناب، یعنی بازی نکردن.

در ادامه، ایشان درباره مرجع ضمیر «فاجتنبوه» سخن گفته و به این نتیجه رسیده است: در آیه شریفه باید جمله ای را به عنوان «مضاف» در نظر گرفت تا برگشت ضمیر به همه موارد، مفهوم داشته باشد و آن اضافه به باور ایشان واژه «تعاطی» است، یعنی تصرف کردن، به دست گرفتن، پیشه خود ساختن. بنابراین، هرگونه دست یازی و بازی با ابزار قمار، نارواست و باید از آن دوری جست.^۵

شماری حکمت حرام بودن بازی و بردو باخت با ابزار قمار را از ادامه آیه استنباط کرده اند:
 «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم عن ذکر الله...»^۶
 شیطان می خواهد در میان شما به شراب و قمار، دشمنی پدید آورد و شما را از یاد خدا باز دارد...

زیرا گرفتن مال مردم بدون رنج و زحمت و بدون کسب و تجارت، زمینه ساز پیدایش کینه توزی و دشمنی در طرف مقابل می شود. افزون بر آن، بازی با ابزار قمار، آدمی را از یاد خدا باز می دارد و او را به سمت و سوی دیگر گناهان و آلودگیها می کشاند. سید احمد خوانساری، دلالت ذیل آیه را بر حرام بودن قمار ناتمام می داند:

«غلبه احد اللاعین توجب عداوة المغلوب منهما وعد هذه فسادا منهيها عنه لاتخلو عن اشكال.»^۷
 پیروزی یکی از بازیکنان بر دیگری، در دل آن که شکست خورده، کینه و دشمنی پدید می آورد؛ و لکن این فساد، در اندازه ای نیست که از آن بازداشته شود و حکم حرام بودن بر آن بار گردد.

حکم به حرام بودن تکلیفی و وضعی، به این جهت خالی از اشکال نیست. افزون بر ظاهر آیه شریفه و آیات دیگر،^۸ روایتهای بسیاری در این زمینه رسیده، از جمله: در تفسیر آیه شریفه از اهل بیت (ع) آمده است:

«اما المیسر فالنرد والشطرنج و کل قمار میسر.»^۹
 مقصود از «میسر»، بازی با نرد و شطرنج است و هرگونه قمار، میسر، نام دارد.

۱. دکتر زحلی، «الفقه الاسلامی وادلته»، ج ۷۸۹/۵، دارالفکر، بیروت؛ «الفقه علی المذاهب الاربعه»، حزیری، ج ۵۰/۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۲. سوره «مائد»، آیه ۹۲.

۳. مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۲۲۹/۷۶، پاورقی، مکتبه الاسلامیه.

۴. آقا حسین خوانساری «مشارق الشموس»، ۳۳۶، مؤسسه آل البيت، قم.

۵. همان.

۶. سوره «مائد»، آیه ۹۲.

۷. «جامع المدارک»، ج ۲۸/۳.

۸. سوره «بقره»، آیه ۲۱۶.

۹. «بحار الانوار»، ج ۲۲۸/۷۶.

نیز از امام علی (ع) نقل شده که فرموده است: «کلمة الهی عن ذکر الله فهو المیسر»^۱ آنچه انسان را از یاد خدا غافل سازد، میسر است. آن گونه که آوردیم، محقق خوانساری، افزون بر اینها (آیات و روایات) حرام بودن این گونه از مسابقه ها و بردو باختها را، اجماعی دانسته و فقهای دیگر نیز بر این اجماع، به روشنی اشاره دارند.^۲

ب. مسابقه با ابزار قمار بدون بردو باخت: بسیاری از فقهای پیشین و پسین و معاصران، فتوا به حرام بودن مسابقه با ابزار قمار بدون بردو باخت داده اند.

اما شماری از بزرگان فقه، در گذشته و حال، این گونه بازیها را از شمول دلیل‌هایی که دلالت بر حرام بودن دارند، خارج دانسته اند. شیخ انصاری، پس از آن که «قمار» را هرگونه بازی با عوض معنی می کند، می نویسد:

«و اما المراهنه بغیر عوض فیجیء انه لیس بقمار علی الظاهر»^۳

اما مسابقه بدون عوض [با ابزار قمار] خواهیم گفت که از نظر ظاهر قمار به شمار نمی رود. در جای دیگر، به این وعده وفا کرده و می نویسد:

«الثانیة اللعب بالآلات القمار من دون رهن، و فی صدق القمار علیه نظر ومجرد الاستعمال لایوجب اجراء احکام المطلقات ولو مع البناء علی اصالة الحقیقة فی الاستعمال، لقوة انصرافها الی الغالب من وجود الرهن فی اللعب بها»^۴

بخش دوم، بازی با ابزار قمار بدون بردو باخت است که قمار بر این گونه بازیها راست نمی آید و تنها کاربرد این واژه بر این نوع از بازیها را نمی توان به معنای جاری شمردن احکام دلیل‌های مطلق باب قمار بر آنها دانست، چون که قمار در بیش تر هنگامها، به آن بازی گفته می شود که در آن بردو باخت و گرویندی وجود داشته باشد.

البته شیخ انصاری از این حکم، نرد و شطرنج را خارج کرده و بازی با آنها را گرچه بدون بردو باخت هم باشد، روا نشموده است. محقق خوانساری، از کسانی است که دلیل‌های حرام بودن مسابقه و بازی با ابزار قمار و حتی شطرنج را، در صورتی که در آن بردو باختی نباشد، ناتمام می داند:

«الثانیة، اللعب بالآلات القمار من دون رهن قد یشک فی حرمة حتی مع صدق القمار من جهة الانصراف الی ما کان مع الرهن...»^۵

گونه دوم از مسابقه، بازی با ابزار قمار است، بدون بردو باخت. در این نوع از بازیها، حکم به حرمت مشکوک است، گرچه بر آن قمار هم راست آید، زیرا این حرام بودن به آن بازی انصراف دارد که در آن گرویندی باشد.

همان گونه که دیدید، ایشان بر این نظر است: در بخش دوم از مسابقه ها (بازی با ابزار قمار بدون عوض) حکم دادن به حرام بودن، خالی از اشکال نیست. در ادامه، ایشان دلیل‌های کسانی که این گونه بازی را حرام می دانند، بویژه در نرد و شطرنج، مورد نقد و بررسی قرار داده و می نویسد:

«ویمکن ان یقال اما رواية تحف العقول فی شکل شمولها لما نحن فیه لان اللعب بدون الرهن یعد لغوا وشمول مایجیء منه الفساد محضا غیر ظاهر الا ان یقال غلبة احد اللاعبین توجب عداوة المغلوب منهما، و عد هذ فسادا منهیا عنه لاتخلو عن اشکال»^۶

روایت تحف العقول [آنچه که در آن جز فساد چیزی نیست، هرگونه تصرف در آن و دست زدن به آن نارواست] مورد ما را نمی گیرد؛ زیرا از آن روایت به دست نمی آید که بازی بدون گرویندی کار لغوی باشد و فسادآفرین و مورد نهی، مگر این که کسی چنین استدلال کند: در این گونه بازیها آن که مغلوب می شود کینه شخص پیروز را به دل می گیرد [به همین جهت حرام است] که این سخن هم خالی از اشکال نیست.

افزون بر این، اگر قرار باشد هر چه که یاد خدا در آن نباشد، قمار و میسر به شمار رود، باید بسیاری از کارهای مباح را حرام دانست و حال آن که چنین نیست. حتی نمی توان گفت: هر آنچه لغو است، حق نیست و هر آنچه حق نباشد، باطل است و حرام؛ زیرا بسیاری از امور باطل هستند، اما حرام نیستند.^۷

از مجموع بررسیهای فقیه ژرف اندیش محقق خوانساری به دست می آید که این نوع از مسابقه ها و بازیها را از نظر فقهی و استدلالی حرام نمی داند.

۱. همان/۲۳۰.

۲. «جواهر الکلام»، ج ۲۲۰/۲۸.

۳. «مکاسب»/ ۱۱۷.

۴. همان/۳۷۳.

۵. «جامع المدارک»، ج ۲۸/۳.

۶. همان.

۷. همان.

امام خمینی (ره) بازی با ابزار قمار، از جمله شطرنج را در صورتی که در آن بردوباختی نباشد و این که شطرنج از ابزار قمار بودن خارج شده باشد، حرام نمی داند و در ابزار دیدگاه فقهی خود، به نظر سید احمد خوانساری نیز، اشارت دارد:

«... بازی با شطرنج، در صورتی که از آلت قمار بودن به کلی خارج شده باشد [جایز است] باید عرض کنم که شما به کتاب جامع المدارک مرحوم آیت الله حاج سید احمد خوانساری که بازی با شطرنج را بدون رهن جایز می داند و در تمام ادله خدشه می کند [رجوع کنید] در صورتی که مقام احتیاط و فتوای ایشان و نیز علمیت و دقت نظرشان معلوم است.»^۱

به این نکته باید توجه داشت که امام خمینی، بازی با شطرنج را در صورتی که از ابزار قمار درآمده باشد، جایز می شمارد، ولی سید احمد خوانساری، از اساس بازی با ابزار قمار را، بدون بردوباخت، جایز می داند و از آن جمله بازی با شطرنج.

بنابراین، فتوای محقق خوانساری از فتوای امام خمینی فراگیرتر و گسترده تر است، از جهت نمونه ها و موارد. بدین سان می یابیم که حکم قسم دوم از محور اول، مانند بخش اول اجماعی نیست و در آن، فتوای به حلال بودن در کنار فتوای به حرام بودن، وجود دارد.^۲

۳- مسابقه برای تواناسازی

بازیها و مسابقه هایی که در راستای نیرومندسازی بنیه نظامی و دفاعی مسلمانان قرار می گیرد و تعلیم و تمرین در آنها، آمادگی رزمی آنان را بالا می برد، در اسلام نه تنها منع و جلوگیری از آنها نشده، بلکه مورد دستور روشن دین قرار گرفته است و قرآن مجید به عنوان یک اصل کلی و همیشگی در این زمینه می فرماید:

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله يعلمهم...»^۳

و تا آن جا که می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا دشمنان خدا و دشمنان خود را [و آنها که شما نمی شناسید و خدا می شناسد] بترسانید.

لغت: اعدوا امر است به اعداد و تهیه. رباط الخيل از ماده ی ربط به معنی بستن در مکانی است و منظور از رباط الخيل محافظت اسبان برای جنگ با دشمن است.

ترهبون از باب افعال و از ماده ی رهب (بر وزن قفل) و رهبیت به معنی ترسیدن است، ترسی که توأم با پرهیز و اضطراب باشد^۴.

در تفسیر و برابر سازی آیه شریفه پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«مقصود از این نیرومندی و توانایی «رمی»^۵ و آمادگی در تیراندازی است.»

افزون بر اصل مشروع بودن این گونه مسابقه ها و بازیها، شرط بندی و رهان هم در آنها، جایز و روا شمرده شده است:

«ان الملائكة لتنفر عند الرهان و تلعن صاحبه ما خلا الحافر والخف والریش والنصل.»^۶

یا برابر روایت شیعیه و سنی از پیامبر (ص) و امامان (ع): «لا سبق الا فی خف او حافر او نصل...»^۷

خفّ که در حدیث آمده به ضم خاء به معنی سپل شتر است (سپل شتر به منزله سم اسب است) و مراد از آن شتر و فیل است، و حاضر به معنی سم ستوران، و مراد از آن اسب، و استر و الاغ است و نصل به معنی پیکان تیر و سرنیزه و تیغه کارد است.

آمدی در شرح غرر الحکم و ڈررالکلم می نویسد:

«گروه هایی که در شرع اقدس تجویز آن شده و آن گروه بندی است در اسب دوانی و همچنین استر و الاغ و شتر دوانی و همچنین فیل، خواه نر و خواه ماده، و در آنچه پیکان یا تیغ داشته باشد چنانکه به طریق شیعیه و اهل سنت هر دو از حضرت رسالت پناهی روایت شده که فرمود:

«لا سَبَقَ الا فی نَصَل او خَفّ او حافر...»^۸

هیچ مسابقه [و یا برد و باختی] روا نیست، جز شتر دوانی یا اسب دوانی یا تیراندازی....

۱. مجموعه رهنمودهای امام خمینی، «صحیفه نور»، ج ۳۴/۲۱، وزارت ارشاد اسلامی.

۲. سید محمد حسین فضل الله، «الندوة» / ۶۱۱.

۳. سوره «انفال»، آیه ۶۰.

۴- شانه چی، کاظم، آیات الاحکام، ص ۱۵۲.

۵. شیخ حر عاملی، «وسائل الشیعیه»، ج ۲۴۸/۱۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۶. همان.

۷. همان.

۸. آمدی، محمد، شرح غرر الحکم و ڈررالکلم، شارح خوانساری، جمال، ۳۳۳/۱.

در حدیث دیگری، افزون بر این سه موردی که ذکر شد (خف، حاضر، نصل) کلمه ی دیگری به نام «ریش» آمده است که به ذکر آن می پردازیم.

منظور از واژه ی «ریش» چیست؟ آیا مورد چهارمی است یا داخل یکی از همان سه مورد است^۱؟ مسأله ای است که در بین فقیهان بحث گسترده ای را به وجود آورده است.

جمال خوانساری می نویسد:

«ظاهر این است که مراد، استثنای گرویندی در مسابقت مرغان باشد، مثل کبوتر و مانند آن و مشهور میان علمای ما این است که گرویندی در آنها جایز نیست و حدیث مذکور را حمل می نمایند بر خصوص تیر و خالی از بعدی نیست، زیرا که تیر داخل «نصل» است که در حدیث مذکور استثنا شد^۲».

و ایشان به شیخ صدوق که از علاء بن سبابة نقل کرده است برای درستی گفته هایش اعتماد می کند: «سؤال کردم از امام صادق (ع) از گواهی دادن کسی که کبوتر بازی می کند؟ امام (ع) فرمود: اگر کار او همراه با فسق و فجوری نباشد، می تواند گواهی دهد و شاهد قرار گیرد.

گفتیم: جمعی برآنند آن کس که با کبوتر بازی می کند، شیطان است؟

فرمود: سبحان الله! آیا نمی دانی که پیامبر (ص) فرمود: فرشتگان می گریزند از هر گرویندی و صاحبان آن را لعن و نفرین می کنند، جز موارد حافر و خف و نصل و ریش^۳».

و محمدبن ادریس در «السرائر» آن را حرام می داند^۴

جمال خوانساری، در جمع بین این روایات و دیدگاهها می نویسد:

«ممکن است که حمل شود بر کسی که بپراند آن را از برای تربیت جهت نامه بردن و تعلیم آن چون متضمن مصلحتی است و گاه باشد که در جهاد و مانند آن نیز محتاج به آن شوند و گوئیم حرام وقتی است که از برای محض لهو و لعب باشد...»^۵

از این عبارت آیت... خوانساری سه نتیجه می توان گرفت:

۱- در آن زمان، از کبوتر برای کارهای مفید و سودمند جامعه استفاده می شده است و در این زمان، این گونه مصلحتها به شکل دیگر و با حیوان یا وسیله ی دیگر مانند اینکه از سگ برای کشف جسد و یا پی گیری و ردیابی جنایتکاران و ... که به مصلحت جامعه و نظام کشور است.

۲- در آن زمان کبوتر به عنوان نامه رسانی نقشی در ارتباطات داشته است، در این زمان که دنیای ارتباطات نام گرفته است و وسایل و ابزار پیشرفته و مدرنی به کار گرفته می شود، همان حکمت وجود دارد.

۳- بازی هایی که به عنوان سرگرمی انجام می گیرد، نمی توان گفت: حکم حرمت بر آنها بار است، مگر آن که هیچ گونه مصلحت و فایده عقلایی در آنها تصور نشود، گرچه حکم به حرمت در این گونه موارد هم بی اشکال نیست.

مسابقه هایی که در آنها بردوباخت باشد. فرشتگان حضور نمی یابند و نفرت و نفرین خود را بر بازیکنان می فرستند، جز مسابقه اسب دوانی و شتر دوانی و کبوتربازی و تیراندازی.

از این دسته روایات، فقیهان فصل مستقل و جداگانه ای در فقه گشوده و نام آن را «سبق و رمایه» گذاشته اند. در این فصل از فقه، به ویژگیها و آداب مسابقه ها پرداخته و موارد جایز و حرام را بررسی کرده اند.

۴- مسابقه های سرگرم کننده و تفریحی

بسیاری از بازی هایی که در زمان های پیشین وجود نداشته و رایج نبوده و امروز در سراسر جهان و در جامعه های اسلامی رواج یافته است، آیا این گونه بازی ها جایز است، یا خیر؟

آیا مشروع است گرویندی در آنها، یا خیر؟

جمال خوانساری در اصل مشروع بودن این گونه بازی ها می نویسد:

۱. عاملی، زین الدین الجبعی (شهید ثانی) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۴/۴۲۱.

۲. آمدی، محمد، شرح غررالحکم و ڈرالکلم، شارح خوانساری، جمال ۳۳۳/۱.

۳. پیشین.

۴. حلی، محمدبن ادریس، السرائر، ۳/۱۴۷.

۵. آمدی، محمد، شرح غررالحکم و ڈرالکلم، ترجمه و شرح خوانساری، جمال، ۳۳۴/۱.

«اما مسابقت در امثال این امور بی گروبنندی، پس جمعی از علمای ما آن را نیز حرام می دانند و جمعی دیگر جایز می دانند و تخصیص می دهند حرمت را به صورتی که با گرو باشد و دلیل قول اول ضعیف است و قول به جواز قوی تر است، مگر آنچه متضمن مصلحت و فایده اصلاً نباشد و مجرد لهو و لعب باشد، با آن که حکم به حرمت هر لهو و لعبی نیز خالی از اشکال نیست^۱». نظر سید احمد خوانساری در این مساله نیز همین است و ایشان به روشنی این دیدگاه را پذیرفته و در برابر نظریه مخالف استدلال کرده است^۲.

اما این که آیا در این گونه امور، افزون بر مسابقه، گروبنندی هم جایز است یا نه؟^۳ ظاهر تعبیر و ترجمه آقا جمال خوانساری که می نویسد: «... نباشد گروبنندی مگر...»^۴ این است که ایشان نیز گروبنندی را تنها در همان جاهایی می داند که نص در آن باره وجود دارد:

«... اما گروبنندی در غیر اینها، مثل گروبنندی در مسابقت در دویدن و کشتی گرفتن و کشتی دواندن و برداشت سنگها و انداختن آنها، پس ظاهر این است که خلافتی میانه اصحاب ما در حرمت آنها نیست و بعضی از علمای اهل سنت، تجویز گروبنندی در بعضی از آنها کرده اند، مثل کشتی گرفتن و دویدن به اعتبار این که ممارست آنها در جهاد و مانند آن به کار آید...»^۵ از اساسی ترین دلیل ها در باب مسابقه و در کتاب «سبق و رمایه» که بحثهای فراوانی را در فقه به دنبال دارد، حدیث معروف بین سنی و شیعه است: «لأسبق الا فی خوف او حافر او نصل» به این روایت از چند دیدگاه می توان نگریست: اول آنکه: از لحاظ سند بسیاری از حدیث شناسان، آن را «حسن» و گروهی از آنان، آن را «ضعیف» و مشهور بر اساس آن فتوا داده اند، درباره ی واژه ی سبق بین فقیهان بحث و گفت و گو است.

عده ای آن را به فتح باء خوانده اند، که حدیث چنین معنی می شود: «گروبنندی روا نیست جز در موارد معین و منصوص». و عده ای هم آن را به سکون باء خوانده اند، معنی روایت این گونه می شود:

«هیچ مسابقه ای جز این مسابقه ها جایز نیست.»

خوانساری قراءت نخست و سبق را برگزیده است و شرح و روشن گری که دارد نیز گواه همین برداشت است^۶. احمد خوانساری می نویسد:

«و لفظ السابق فی الروایة یحتمل ان یکون محرکا بفتح الباء و ان یکون بالسکون ، فعلى الأول یرجع الی عدم تملک العوض و الحرمة الوضیعیته ، و علی الثانی یرجع الی الحرمة التکلیفیة، بالنسبة الی نفس الفعل و مع الاحتمال لامجال للحکم بالحرمة ...»^۷ در واژه «سبق» دو احتمال وجود دارد: به فتح باء و سکون آن. بنا بر احتمال نخست، حرمت وضعی استفاده می شود و این که آنچه به عنوان عوض در مسابقه گرفته می شود [به جز این موارد] حرام است. و بنا بر احتمال دوم، فقط حرمت تکلیفی به دست می آید، یعنی انجام هر گونه مسابقه ای [گرچه برد و باخت هم در آن نباشد] حرام است. و چون این دو احتمال در برابر هم قرار می گیرند حکم به حرام بودن از این روایت برای مسابقه ها استفاده نمی شود.

به هر حال چگونگی قراءت لفظ «سبق» در این حدیث، ریشه ی برداشتهای گوناگون فقهی می شود و اگر هیچ یک از آن دو برتری و مزیتی بر دیگری نداشت، نوبت می رسد به احادیث دیگر و اصول و قواعد فقهی^۸. احمد خوانساری در ادامه می نویسد:

«بر فرض آن که قراءت سکون را برگزینیم، ممکن است بگوییم که: آنچه در این حدیث نفی شده مسابقه با گروبنندی است و همین انصراف، می تواند فهم و ضبط حدیث را آسان سازد^۹».

شهید ثانی در مسالک، در بحث و بررسی درباره این حدیث و چگونگی قراءت واژه «سبق» می نویسد:

۱- پیشین.

۲. همان، ج ۳/۳۰.

۳. «جامع المدارک»، ج ۳/۲۸.

۴. «غرر الحکم»، ج ۱/۳۳۳.

۵. همان، ج ۱/۳۳۴.

۶. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۱۸/۳۹۰.

۷. توحیدی، محمد علی، مصباح الفقاهه، تقریرات درس خوبی، ابوالقاسم، ۱/۳۶۶.

۸. آمدی، محمد، شرح غررالحکم و... ترجمه خوانساری، ۱/۳۳۳.

۹. خوانساری، احمد، جامع المدارک، ۳/۳۰.

۱۰. العاملی شهید ثانی، روضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، ۲/۳۰.

۱۱. خوانساری، احمد، جامع المدارک، ۳/۳۰.

«... و ربما رواه بعضهم بسكون الباء و هو المصدر، ای لایقع هذا الفعل الا فی الثلاثه، فیکون ما عداها غیر جائز. و من ثم اختلف فی المسابقه بنحو الاقدام و رمی الحجر والمصارعة وبالآلات التي تشتمل علی نص بغير عوض هل يجوز ام لا؟ فعلى رواية الفتح يجوز وعلى السكون لا و فی الجواز مع شهرة روايته بين المحدثين موافقة للاصل. خصوصا مع ترتب غرض صحيح علی تلك الاعمال.»^۱

برخی به سکون باء [سبق] خوانده اند که معنای مصدری مراد باشد؛ یعنی این مسابقه مشروع نیست، مگر در موارد سه گانه. بنابراین قراءت، جز این موارد جایز نیست. به همین جهت در مسابقه هایی که بی عوض انجام می گیرد، مانند: دویدن و سنگ برداشتن و پرتاب کردن و کشتی گرفتن و مسابقه با چیزی که تیر هم در آن به کار می رود، میان فقها گفت و گو است که آیا جایز است یا نه؟ کسانی که قراءت فتح [سبق] را برگزیده اند، اصل این مسابقه ها را جایز می دانند و کسانی که آن را به سکون خوانده اند [سبق] روا نمی دانند، ولی [به نظر ما] اصل این مسابقه ها [بی عوض] جایز است، چون قراءت به فتح، مشهور بین محدثان است و موافق با اصل، بویژه آن که بر این گونه مسابقه ها هدف خردمندانه و درستی نیز بار شود.

بنابراین، از نوشته شماری از فقیهان از جمله آقا جمال و سید احمد خوانساری استفاده می شود: که مسابقه دادن اگر همراه با گروبندی باشد، در غیر مواردی که تعیین شده (تیراندازی، اسب و شتردوانی و...) جایز نیست، ولی بدون گروبندی جایز و بی اشکال است. در برابر این دیدگاه، گروهی از فقیهان بر این باورند: به جز مواردی که به روشنی بیان شده در روایت هرگونه بازی و مسابقه چه با بردو باخت و چه بدون آن حرام است.

صاحب ریاض می نویسد:

«سخن مشهورتر آن است که بازی و مسابقه، به جز در موارد سه گانه، حتی بدون بردو باخت، جایز نیست، به دلیل اجماع که پشتوانه شهرت است و نیز دلیلهایی که هرگونه لهو و لعب را حرام می دانند و حدیث معتبری که سستی سند آن با شهرت قابل جبران است. و بالاتر از همه، عمل بسیاری از اصحاب است به آن روایت که می گوید: «فرشتگان از جایی که بازی با بردو باخت باشد می گریزند و بر آنان نفرین می کنند و جز موارد یاد شده را قمار به شمار می آورد.»^۲

در برابر این دو دیدگاه:

۱. روا بودن مسابقه های غیر منصوصه در صورتی که بدون عوض باشد.

۲. ناروا بودن مسابقه های غیرمنصوصه، گرچه بردو باختی هم در آنها نباشد.

صاحب جواهر راه سومی برگزیده و حتی عوض گرفتن در این گونه مسابقه ها را هم بی راه ندانسته است:

«لکن ینبغی ان یعلم ان التحقیق الحرمة و عدم الصحة اذا ارید ایجاد عقد السبق بذلک اذ لاریب فی عدم مشروعیتة سواء کان بعوض او بدونه ولو للاصل فضلا عن النهی فی خبر الحصر.

اما فعله لاعلی جهة كونه عقد سبق، فالظاهر جوازه، للاصل والسيرة المستمرة علی فعله فی جمیع الاعصار والامصار من العوام والعلماء... بل لا یبعد جواز اباحتها علی العوض علی ذلك، والوعد به مع استمرار رضاهما به لاعلی انه عوض شرعی ملتزم...»^۳

سزاوار تحقیق این که: این گونه مسابقه ها حرام است و نادرست، در صورتی که به عنوان عقد مسابقه برگزار گردد، چه در آن بردو باخت باشد و چه نباشد، به دلیل اصل، تا چه رسد به روایت حصر. لکن انجام دادن این گونه مسابقه ها، نه در قالب عقد مسابقه [بلکه به عنوان بازی کردن بدون قرارداد] ظاهر آن این است که جایز است و اصل و سیره پیاپی مسلمانان در تمام زمانها و سرزمینها، چه در میان عالمان و غیر عالمان، بر این جواز دلالت دارد.

بلکه می توان از این بالاتر گفت: دور نیست جایز بودن انجام این گونه مسابقه ها و گرفتن جایزه و عوض در آنها، البته در قالب وفای به وعده [نه در قالب عقد الزامی] و این مشروط به آن است که رضایت دو طرف بازی بر دادن جایزه تا آخر دوام داشته باشد.

و می توان از زاویه دیگر به این روایت نگاه کرد و این که «لا» در حدیث شریف چه مفهومی دارد؟

۱- برای نفی جنس و ماهیت.

۲- برای نفی صحت و مشروعیت.

۳- به معنای نفی جمیع احکام.

۴- برای نفی فضیلت.

به نظرات فقیهان در این رابطه می پردازیم:

۱. شهید ثانی، «مسالك الافهام»، ج ۷/۶، مؤسسه معارف اسلامی.

۲. «ریاض المسائل»، ج ۴۰/۲.

۳. «جواهر الکلام»، ج ۲۲۱/۲۸.

صاحب ریاض می نویسد:

«... لعدم امکان ارادة نفي الماهية، فتحتمل على اقرب المجازات و هو ما نفي جميع احكامها التي منها الصحة و المشروعية او نفيها خاصة، لأنه المتبادر من نفي الماهية بلاشبهة...»^۱

اراده‌ی نفی ماهیت در این حدیث ممکن نیست [چون مسابقه، مسابقه است در ماهیت و واقعیت] بنابراین، باید به نزدیک ترین مجازها آن را معنی کرد و آن یا نفی تمام احکام است، از آن جمله: مشروع بودن و درستی [یعنی جز آن سه مورد مشروع و صحیح نیست] و یا آن که تنها درستی و مشروع بودن را نفی می کند [نه تمام احکام را]، چون آنچه در آغاز از نفی ماهیت به ذهن می آید، همین است. به دیدگاه محقق سبزواری، صاحب کفایه، که احتمال چهارم را برگزیده و ثمره‌ی فقهی جدیدی گرفته است می‌پردازیم. ایشان درباره‌ی حدیث «لاسبق...» می‌نویسد:

«ولا يخفى ان الخبر الأول على وجهين لا يتعين معناه فيما ذكره، بل يحتمل غيره فانه على الفتح يحتمل ان لا لزوم اولاً تملك اولاً فضل للسبق و العوض الا في هذه الثلثة من بين الأفعال التي يسابق عليها و على هذه لا دلالة للخبر على تحريم الفعل و الملاعبة مع العوض ايضاً. بل لا يدل على تحريم العوض ايضاً. و على السكون يحتمل ان يكوه معناه لا اعتداد بسبق في امثال هذه الأمور الثلثة الا في الثلثة، اولاً فضل بسبق الا في الثلثة فلا يكون دالاً على التحريم، و بالجملة الاصل الجواز و التحريم يحتاج الى دليل...»^۲

پوشیده نیست که روایت نخستین [حدیث لاسبق] چه به فتح باء و چه به سکون آن خوانده شود، انحصار در آنچه شهیدثانی گفته است پیدا نمی‌کند، بلکه احتمال دیگری نیز هست که اگر به فتح بخوانیم، چنین معنی شود: لزوم یا ملکیت یا فضیلتی برای مسابقه و دادن عوض نیست، جز در موارد سه گانه از اقسام مسابقه‌ها بنابراین، از این خبر نمی‌توان دلیلی بر حرام بودن دیگر بازیها و مسابقه‌ها به دست آورد. از این بالاتر آن که: این حدیث دلالت بر ناروا بودن برد و باخت در دیگر بازیها هم ندارد. و چنانچه واژه‌ی «سبق» را به سکون باء قرائت کنیم، احتمال می‌رود معنای آن، این باشد: اهمیت‌ی برای مسابقه‌ها نیست، جز همان موارد سه گانه. یا مسابقه ارزشی ندارد، جز همان سه مورد.

بنابراین احتمال هم، باز، روایت دلالت بر حرام بودن دیگر مسابقه‌ها نمی‌کند و از سوی دیگر، اصل اولی هم جایز بودن هر مسابقه است و حرام بودن، دلیل می‌خواهد.

بنابراین دیدگاه، غیر از مسابقه‌های: اسب دوانی، شتردوانی، فیل دوانی، الاغ دوانی، تیراندازی، و نیزه اندازی، مسابقه‌های دیگر نیز، مشروع هستند و حتی می‌توان در آنها نیز، گروبندی کرد و به برندگان در مسابقه جایزه پرداخت.

صاحب ریاض، این برداشت محقق سبزواری را نمی‌پذیرد و می‌گوید: غیر از آن مواردی که در روایت تعیین شده، مسابقه و بازی با گروبندی و بدون آن روا نیست و می‌افزاید: جز سبزواری کسی دیگر از باران فقه به این احتمال اشاره نکرده است.^۳ محقق اردبیلی با نظر محقق سبزواری موافق است.^۴

به حدیث «لاسبق الا فی نصل او خف او حافر» می‌توان از دیدگاه دیگری نگریست:

اگر پذیرفتیم که این حدیث در میان مسابقه‌ها، تنها مسابقه‌ای را جایز می‌داند و برد و باخت و گروبندی در آن را بی‌مانع و بی‌اشکال می‌داند که در راستای آمادگی نظامی و جنگی و دفاعی قرار بگیرد و به همین جهت، بر اسب، شتر، فیل، الاغ، تیر، نیزه و مانند آن انگشت نهاده است. حالا این پرسش مطرح می‌شود: آیا مقصود از آنچه که نام بردیم به اعتبار زمان و ظرف صدور این روایات است که به جز اینها، چیز دیگری در نبردهای تن به تن و در میدان جنگ با دشمن به کار نمی‌رفته است؟ یا می‌توان اینها را نمونه ابزار دفاعی و جنگی آن زمان دانست و جمود و پافشاری بر این نمونه‌ها نداشت. در این مقوله نیز دیدگاه‌های فقیهان متفاوت است:

بسیاری از فقیهان، بویژه فقیهان معاصر، بر آن هستند که مسابقه با این گونه ابزار و چهارپایان که در روایت آمده به مناسبت زمان صدور روایات است که برای نبرد با دشمن، چیزی غیر از آنها به کار گرفته نمی‌شد. و این بدان معنی نیست که در این زمان هم تنها با همان چهارپایان و ابزاری که در جنگهای صدر اسلام به کار گرفته می‌شده است، مسابقه جایز و در غیر آن جایز نیست و نارواست.

گروهی از فقها نیز اصرار بر همان موارد و نمونه‌های ویژه دارند که از باب نمونه به آن اشاره می‌کنیم:

محسن حکیم می‌نویسد:

۱- النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۲۲۱/۲۸.

۲. محقق سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۱۳۶.

۳. الطباطبایی، علی، ریاض المسائل، ۴۰/۲.

۴. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۱۶۸/۱۰.

«لا بد فیهما من ایجاب و قبول و انما یصحان فی السهام و الحراب و السیوف و الأبل و الفیل و الخیل و البغال و الحمیر و لایصحان فی غیر ذلک^۱»

در عقد سبق و رمایه، ایجاب و قبول لازم است. و موارد آن عبارتند از: تیراندازی، نیزه بازی، شمشیربازی، اسب و شتر و فیل و استر و الاغ دوانی. و جز در این موارد، مسابقه جایز نیست (و در پی آن گروبنندی هم نارواست).

شهید صدر بر این فتوا نظر دارد و می نویسد:

«بعید نیست که با ابزار جنگی جدید نیز، مسابقه مشروع و درست باشد.»

سپس می افزاید:

«هل الصحه تثبت مطلقا او مادامت هذه الأدوات تعتبر هی الوسائل العامه للحرب التي تنمو بنشاط العمل فيها القدرة العسكرية و مصالح الجهاد، و جهان احوطهما و اقربهما الثاني^۲»

آیا درستی مسابقه با ابزار جنگی قدیم بی قید و شرط است، یا این که تا زمانی است که آنها در جنگهای عمومی کاربرد لازم را داشته باشند و بتوان با آن وسیله ها در برابر دشمنان ایستادگی کرد و به دفاع برخاست؟ در این مسأله، دو دیدگاه است که دیدگاه دوم موافق با احتیاط و نزدیک تر به حق است.

همین دیدگاه واقع بینانه را در نوشته های استاد شهید و فقیه ژرف اندیش، مرتضی مطهری در می یابیم:

«در اسلام، یک اصل اجتماعی هست به این صورت: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ^۳» تا آخرین حد امکان در برابر دشمن نیرو تهیه کنید و نیرومند باشید. این اصل را کتاب، یعنی قرآن به ما تعلیم می دهد. از طرف دیگر، در سنت، یک سلسله دستورها رسیده است که در فقه به نام «سبق» و «رمایه» معروف است. دستور رسیده که خود و فرزندان، تا حد مهارت کامل، فنون اسب سواری و تیراندازی را یاد بگیرد. اسب دوانی و تیراندازی، جزء فنون نظامی آن عصر و بهترین وسیله تهیه نبرد و نیرومند شدن در مقابل دشمن در آن عصر بوده است. ریشه و اصل قانون «سبق و رمایه»، اصل «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة» است، یعنی نیرو شمشیر و نیزه و اسب از نظر اسلام اصالت ندارد و جزء هدفهای اسلامی نیست. آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان باید در هر عصر و زمانی، تا آخرین حد امکان، از لحاظ قوای نظامی و دفاعی در برابر دشمن قوی باشند... لزوم نیرومندی در مقابل دشمن قانون ثابتی است که از یک احتیاج ثابت و دائم سرچشمه می گیرد. اما لزوم مهارت در تیراندازی و اسب دوانی مظهر یک احتیاج موقت است و با مقتضیات زمان و توسعه عوامل فرهنگی و فنی، تغییر می کند و چیزهای دیگر از قبیل لزوم مهارت در به کار بردن سلاحهای امروز جای آن را می گیرد^۴.»

امام خمینی، در این زمینه در جواب یکی از اعضای دفتر می نویسد:

«... و رهان در سبق و رمایه مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن که در جنگهای سابق به کار گرفته شده است و امروز هم، تنها در همان موارد است... [با این گونه برداشتها] از اخبار و روایات، تمدن جدید باید به کلی از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند^۵.»

آیا هدف از این مسابقه ها که بیان شد، به عنوان علت است یا حکمت؟ به دیگر سخن این گونه مسابقه ها اگر در زمانی واقع شوند که اطمینان داریم هیچ گونه جنگ و درگیری هم پیش نخواهد آمد، باز مستحب و بی اشکال است، یا تنها اگر در راستای رزم و دفاع و جهاد قرار گیرد مشروع اند و گرنه، نه؟

افزون بر این، اگر اصل توان مندی و آمادگی را بپذیریم و این که اسلام از مسلمانان می خواهد که همواره قدرت مند و عزت مند باشند و از سوی دیگر، بپذیریم که عقل و اندیشه و خرد ناب در سایه تن سالم و اعصاب آرام به دست می آید، بسیاری از این ورزشها و بازیها و مسابقه هایی که در این راستا قرار می گیرند، پذیرش مردمی آنان، با مشروع بودن همسو خواهد شد.

البته در بحث «سبق و رمایه» و مسابقه ها، فرع فقهی دیگری نیز هست که در خور بحث و بررسی هستند، از جمله: در نوشته های

فقهی آمده:

چون جهاد بر زنان واجب نیست، برگزاری و شرکت در این گونه مسابقه ها هم برای آنان روا نیست^۶.

۱. حکیم طباطبایی، محسن، منهاج الصالحین، ۱۰۸/۲.

۲. پیشین.

۳. پیشین.

۴. انفال (۸)/۶۰.

۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۱۹۱/۳.

۶. صحیفه ی امام، ۱۵۰/۲۱.

۷. فیض کاشانی، محمد حسن، مفاتیح الشرائع، ۱۱۹/۳.

آیا می توان این پرسش را مطرح کرد: اگر جهاد واجب نیست، دفاع از کیان کشور اسلامی، عزت اسلامی و جان و ناموس که واجب است. در این صورت اگر این ورزشها و مسابقه ها به این گونه دفاع ها کمک کند و آمادگی لازم را برای زنان و مردان پدید آورد آیا باز هم می توان گفت: بر زنان شرکت در این گونه مسابقه ها و انجام آنها جایز نیست^۱.

مسابقات دیگر به جز موارد سه گانه از اقسام مسابقه ها جایز و مشروع هستند و می توان به برندگان در مسابقات جایزه پرداخت.

۵- فرق عقد و وعده

از این سخن پایانی که از عبارت جواهر نقل کردیم می توان یک قاعده و قانون کلی در مسابقه ها به دست آورد و آن این است: عقد و قرارداد الزامی بین مسابقه دهندگان در مواردی مانند وزنه برداری، کشتی و... روا نیست، لکن اگر بدون عقد و ایجاب و قبول شرعی الزامی، بازنده، با طیب خاطر و خرسندی بخواهد به برنده به عنوان جایزه چیزی بدهد و الزام و اجباری هم بر دادن آن نداشته باشد، اشکالی ندارد. این نکته از فرق بین «عقد» و «وعد» به دست می آید که در «عقد» نوعی تعهد شرعی و پای بندی نهفته است که در «وعد» آن الزام وجود ندارد. این فرق در کتابهای لغوی و فقهی نموده شده است.

ابوهلال عسگری می نویسد:

«تفاوت میان وعد و عهد آن است که عهد، وعده ای است که به شرطی مقرون باشد، مانند: سخن تو که می گویی: «اگر چنین کنی، چنین خواهم کرد» و تا تو بر آن کار باشی من هم بر آن خواهم بود. خدای بزرگ گفته است: «ولقد عهدنا الی آدم»؛ یعنی به او آگاهانیدیم که از بهشت خارج نخواهی شد، تا زمانی که از این درخت چیزی نخوری. و عهد اقتضای وفا را دارد. در صورتی که «وعد» اقتضای بر آوردن و روا کردن حاجت است و گفته می شود که: عهد را شکست و وعده را بر نیاورد و روا نکرد.^۲

شیخ محمد جواد مغنیه همین نظریه را برگزیده و با عبارتی گویا نوشته است:

«يجوز للسابق ان ياخذ المال من الدافع على سبيل الوعد بحيث يجوز له الوفاء به والعدول عنه، لعدم الدليل على التحريم والاصل الجواز».^۳

برای برنده رواست که مقداری از مال با زنده را از راه وفای به وعده بگیرد. البته وعده هم به گونه ای باشد که برای بازنده الزامی ایجاد نکند و بتواند در صورت ناخرسندی چیزی نپردازد. [دلیل جایز بودن عوض در این گونه مسابقه ها] این است که دلیل بر حرام بودن نداریم و نیز اصل اولی جواز آن است.

از لابه لای نوشته های سید احمد خوانساری نیز می توان به چنین راه حلی دست یافت. ایشان در بحث فقهی «مضاربه» به این مساله و فرع فقهی رسیده که آیا «اشترط اجل در مضاربه لازم هست یا نه» و اگر عقد لازم نبود، آیا شرط ضمن آن لازم است؟

«ولایتوجه الاشكال بانه بعد ما كان اشراط تابعا للعقد فمع عدم لزوم العقد كيف يلزم الشرط من جهة ان المعروف عدم وجوب الوفاء بالشرط اذا لم يكن في ضمن عقد بل هو وعد لا يجب الوفاء به...»^۴

کسی اشکال نکند: چگونه عقدی که لازم نیست، شرط در ضمن آن لازم باشد و حال آن که چنین معروف شده است: واجب نیست وفای به شرط هرگاه در ضمن عقدی نباشد، بلکه آن «وعد» است که وفای به آن وجوبی ندارد....

از این عبارت به دست می آید که آقای خوانساری هم، بین عقد و وعد، فرق گذاشته است.

بنابراین، با نگرشی دوباره به آنچه آوردیم، روشن می شود که در محور سوم از گونه های مسابقه، یعنی بازی و مسابقه در غیر موارد سه گانه ای که در روایت از آنها به روشنی نام برده شد، اگر در آنها گروبنندی به گونه الزامی و در قالب عقد مسابقه صورت گیرد، حرام و نارواست و اگر چنین قراردادی در بین نباشد و دو طرف بازی و یا دو تیم با یکدیگر قرار گذاشته باشند بازنده اگر خواست با خوشنودی چیزی به عنوان جایزه به برنده بدهد و در این پرداخت مجبور نباشد، اشکالی ندارد. شماری از فقیهان معاصر، راه حل شرعی دیگری برای گرفتن جایزه در این گونه مسابقه ها مطرح کرده اند که بیان آن خالی از فایده نیست:

«يصح الجعل من كليهما او من احدهما او من ثالث للسابق بعنوان الوقف او النذر او الوصيته او الشرط، مثلا يجعل وقفا لمن سبق... او يجعل مثلا النذر او الوقف او الشرط لمن سبق الازيد ولمن لحق الاقل وحينئذ فاذا تسابقا لا يكون بينهما عقد جعلاً او اجاره او صلح او مسابقة و انما ياخذ السابق السابق بعنوان الوقف او النذر...»^۵

۱. صحیفه ی امام، ۲۸۰/۱۹.

۲. ابوهلال عسگری، «الفروق فی اللغة»، ترجمه علوی مقدم ۱۱۳، آستان قدس رضوی.

۳. «فقه الامام الصادق»، ج ۴/۲۳۴، بیروت.

۴. «جامع المدارک»، ج ۳/۴۰۸.

۵. سید محمد شیرازی «الفقه»، کتاب السبق و الرمايه/۳۲۵، مطبعة سيدالشهداء، قم.

رواست که دو سوی بازی یا یکی از آنها یا شخص سومی، به برنده مسابقه چیزی به عنوان وقف، یا نذر یا وصیت یا شرط بپردازد. در مثل، به کسی که برنده شود و یا نسبت به طرف مقابل جلوتر باشد، مقدار زیادتری بدهند و به دیگری کم تر و این مسابقه در آغاز بر اساس هیچ گونه عقد شرعی الزامی هم بسته نشده باشد. برنده مسابقه تنها از راه وقف یا نذر و یا ... جایزه را دریافت می کند. البته این راه حل به گونه ای در همان راه حل پیشین نهفته است، با اضافه پاره ای از ویژگیهای دیگر. به نظر می رسد برای این مساله که امروز در همه جا طرح می شده و پرسشی است فراگیر و در عمل هم بردو باختهایی انجام می گیرد و جایزه هایی داده می شود و گرفته می شود، در فقه شیعه ردپای از راه حلها را می توان جست و یا دست کم بستر فتوا را آن گونه که آوردیم، فراهم ساخت. اگر به آموزه های فقهی از زاویه شریعت سمحه سهله و دین و آیین آسانگیر بنگریم و از سوی دیگر به آثار و فایده های این گونه بازیها شناخت پیدا کنیم و کاربرد و قلمرو این گونه بازیها را در زمینه های فکری، ذهنی، عملی و شکوفایی استعدادها و تندرستی انسانها و آمادگی آنها را برای دفاع و مانند آن در نظر بگیریم، رسیدن به چنین دیدگاه کاربردی و عملی دور نیست.

۶- حکم اسلام در باره شرط بندی در مسابقات ورزشی چیست؟

شرط بندی در مسابقات به این معنا که طرف های مسابقه قرار بگذارند هر کس بازنده شد چیزی را به برنده بدهد یا کاری برای او انجام دهد، حرام است و همچنین حرام است اگر تماشاگران باهمدیگر شرط بندی کنند. البته این حرمت برای شرکت کنندگان مسابقات اسب دوانی و تیر اندازی استثنا شده است. و نیز در مواردی که از طرف دولت، ارگان، موسسه یا شخص سومی به عنوان هدیه، جایزه و یا عنوان دیگر در مسابقات به برنده مالی داده می شود، شرط بندی نبوده و اشکالی ندارد. اما اگر در ابتدا مبلغی جهت انجام هزینه های مسابقه از طرفین مسابقه گرفته شود و در نهایت بخشی از آن برای جایزه آنها صرف شود چون جایزه از اموال بازنده گرفته شده است شرط بندی و حرام است.

بعضی مراجع عظام تقلید در شرط بندی فرقی بین شرط مالی و معنوی نگذاشته اند؛ و براین عقیده اند که حتی اگر در مسابقه ای شرط شود که هرکس بازنده شد یک جزء قرآن برای اموات شخص برنده بخواند این شرط اشکال دارد. اما بعضی دیگر از مراجع به شروط معنوی اشکال نمی گیرند.

اما اگر طرفین، در شرط بندی جدی نباشند و شرط الزام آوری برای مسابقه خود قرار ندهند و فقط به صورتی تفریحی و شوخی قرار بگذارند که خود را مجبور به انجام آن ندانند در اصل شرط بندی نکرده اند و اشکالی ندارد.

پاسخ آیت الله هادوی تهرانی به این شرح است:

۱. شرط بندی در مسابقات اسب دوانی، فیل سواری و تیراندازی با کمان جایز است.
۲. شرط بندی در مسابقاتی که موجب آمادگی جنگی است؛ مانند تیراندازی با اسلحه های امروزی یا پرتاب نارنجک و امثال آن، جایز می باشد.

۳. شرط بندی در مسابقات ورزشی که پیروزی در آن موجب اعتلای کشور اسلامی یا منفعت آن برای جامعه و یا فرد مسلم باشد، به شرط عدم تحقق فعل حرام در آن ورزش، جایز می باشد.

۴. احتیاط اکتفا به مورد دوم، یعنی مسابقاتی که موجب آمادگی جنگی است، می باشد و از آن به احتیاط نزدیک تر شرط بندی فقط در مورد اول است.

۵. شرط بندی در مسابقاتی که فاقد خصوصیات مذکور در موارد اول تا سوم باشد؛ مانند مسابقه سگ دوانی یا بین خروس های جنگی و امثال آن حرام و باطل می باشد.

۶. مراد از شرط بندی، شرط بندی بین شرکت کنندگان در مسابقه یا اعطای جایزه از سوی شخص ثالث به آنها است و شرط بندی بین افراد خارج در مورد نتیجه جایز نیست مطلقاً که ظاهراً سؤال اصلی ناظر به همین مورد بوده است.

۷- نظر شهید مطهری در مورد احکام مسابقات ورزشی

همین دیدگاه واقع بینانه را در نوشته های استاد شهید و فقیه ژرف اندیش، مرتضی مطهری می یابیم: (در اسلام، یک اصل اجتماعی هست به این صورت: (واعدوا لهم ما استطعتم من قوة)^۱ تا آخرین حد امکان در برابر دشمن نیرو تهیه کنید و نیرومند باشید. این اصل را کتاب، یعنی قرآن به ما تعلیم می دهد. از طرف دیگر، در سنت، یک سلسله دستورها رسیده است که در فقه به نام (سبق) و (رمایه) معروف است. دستور رسیده که خود و فرزندان، تا حد مهارت کامل، فنون اسب سواری و تیراندازی را یاد بگیرید. اسب دوانی و تیراندازی، جزء فنون

۱. انفال/سوره ۸، آیه ۶۰.

نظامی آن عصر و بهترین وسیله تهیه نبرد و نیرومند شدن در مقابل دشمن در آن عصر بوده است. ریشه و اصل قانون (سبق و رمایه)، اصل (واعدوا لهم ما استطعتم من قوة) است؛ یعنی نیرو شمشیر و نیزه و اسب از نظر اسلام اصالت ندارد و جزء هدفهای اسلامی نیست. آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان باید در هر عصر و زمانی، تا آخرین حد امکان، از لحاظ قوای نظامی و دفاعی در برابر دشمن قوی باشند... لزوم نیرومندی در مقابل دشمن قانون ثابتی است که از یک احتیاج ثابت و دائم سرچشمه می‌گیرد. اما لزوم مهارت در تیراندازی و اسب دوانی مظهر یک احتیاج موقت است و با مقتضیات زمان و توسعه عوامل فرهنگی و فنی، تغییر می‌کند و چیزهای دیگر از قبیل لزوم مهارت در به کار بردن سلاحهای امروز جای آن را می‌گیرد.^۱ در این نگرش و بینش که برخاسته از جهان بینی این فقیه تواناست، نکته‌های ارزنده و آموزنده‌ای به چشم می‌خورد، از آن جمله می‌توان به این نکته اشارت کرد: روش اسلام آن نبوده و نیست که همه جا به شکل و صورت و ظاهر زندگی بپردازد، بلکه روح آموزه‌های دینی آدمی را به سمت و سوی هدفهای انسانی و آرمانهای معنوی می‌کشاند و می‌برد. به همین جهت، یک وسیله مادی و یا یک شکل ظاهری نمی‌تواند برای همیشه تقدس داشته باشد و همین ویژگی است که دستورهای دینی را در هر زمان از هرگونه ناسازگاری با توسعه و تمدن دور می‌سازد. امام خمینی، با توجه به این ویژگی به فقه اسلامی نگرسته و در این زمینه در جواب یکی از اعضای دفتر می‌نویسد: (... و رهان در سبق و رمایه مختص است به تیرو کمان واسب دوانی و امثال آن که در جنگهای سابق به کار گرفته می‌شده است و امروز هم، تنها در همان موارد است... (با این گونه برداشتها) از اخبار و روایات، تمدن جدید باید به کلی از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند).^۲ بدین سان در می‌یابیم که اگر از این نگاه و زاویه به حدیث (لا سبق الا فی نصل او خف او حافر) بنگریم و موضوع مسابقه را به تمام ابزار و وسایلی که از آنها در دفاع و جهاد می‌توان بهره گرفت گسترش دهیم، بسیاری از ورزشها و بازیهای امروزی که در ساخت و ساز بدن و آمادگی جسمی و رزمی نقش دارند و نیز بسیاری از مسابقه‌ها، مانند قایق رانی، کشتی رانی، انواع زیردریاییها، هواپیماها، موشکها، چتربازی، کوهنوردی، پرش، دویدن، وزنه برداری، شنا و... که به گونه‌ای در پیشبرد هدفهای دفاعی و آمادگی رزمی اثر دارند، مشروع و گروبندی در آنها هم باید جایز و روا باشد. از این نکته می‌توان آموخت که اگر چه این بحثها در سخنان فقهای پیشین، مانند آقا جمال خوانساری مطرح نشده است، لکن با گسترش نمونه‌ها و موارد مسابقه‌ها از یک سو و پذیرش اصل مشروع بودن مسابقه و گرفتن جایزه و گروبندی و بردوباخت در مسابقه‌های رزمی، از دیگر سو، بسیاری از مسابقه‌های نوپیدا که در راستای آمادگی دفاعی قرار می‌گیرند، مشروع و گرفتن جایزه در آنها رواست.

۱. (مجموعه آثار)، شهید مطهری، ج ۳، ص ۱۹۱.

۲. (صحیفه نور)، ج ۲۱، ص ۳۴.

نتیجه گیری

در مکتب اسلام انجام فعالیت های ورزشی و پرورش روح و جسم از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و توصیه های فراوانی در راستای پرداختن به ورزش در کلام پیشوایان دین ملاحظه می شود. از آن جمله پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: به فرزندانان شما و تیراندازی را یاد بدهید. در اسلام ورزشهایی است که بطور صریح و واضح تأیید شده است چون اسب دوانی، تیراندازی، شنا کردن. نبی اکرم فرمودند: «لا سَبَقَ الا فی خف او حافر او نصل...» هیچ مسابقه او یا برد و باختی را نیست، جز شتردوانی یا اسب دوانی یا تیراندازی... و ورزشهایی که غیر مستقیم تأیید شده است مانند: دویدن و آنچه در قلمرو آن است و بعضی ورزشهای معمولی دیگر که به طرز روشن حرمت آن تذکر داده شده است چون بوکس بازی، گاو بازی و ...

امروزه، دولت ها ناچار شده اند که از مجازات ایراد ضرب و جرح عمدی و خطرناک در این ورزشها چشم ببوشند و تنها به تعدیل و خشونت ها و کاستن از خطر آنها قناعت کنند. لذا باید بپذیریم که اجرای قواعد عمومی، مسئولیت مدنی در این زمینه ممکن نیست و ناچار بایستی تقصیر ورزشی را تابع قواعد ویژه این حرفه کرد.

در اسلام برد و باخت و قمار تحریم شده است ولی در اسب دوانی و تیراندازی شرط بندی و برد و باخت مباح و مجاز است. در مورد بازی با شطرنج مبنای بیشتر فقها بلکه مشهور که فتوا به حرمت بازی با شطرنج - هر چند بدون برد و باخت - داده اند آلت قمار بودن شطرنج است، بنابراین چنانچه مشخص شود که در زمان حاضر بازی شطرنج بدون برد و باخت و به عنوان تفریح و سرگرمی مطرح شود وسیله قمار نیست بلکه وسیله ای است جهت رشد فکری، و حرام نخواهد بود از جمله فقیهانی که بر اساس این فرض فتوا به حلیت داده اند امام خمینی است. وی در پاسخ پرسشی که فرض کرده شطرنج امروزه وسیله قمار نیست فتوا به حلیت آن داده است که متن سؤال و جواب امام در مبحث مبانی فقهی شطرنج گذشت این فتوا از ایشان در حالی صادر شده که در مکاسب محرمة بازی با ابزار ویژه قمار را حرام می داند. پس احراز خروج شطرنج از وسیله قمار بودن، موضوعی است که تشخیص آن مربوط به مکلف است و حضرت امام به فرض پرسش و به عنوان قضیه شرطیه پاسخ داده است و نظرات مراجع تقلید در مورد شرط بندی در مسابقات مورد بررسی قرار گرفته است.

آیت ا... خوانساری می فرماید:

«الثانیة اللعب بالآلات القمار من دون رهن قدیشک فی حرمة حتی مع صدق القمار.»

مسأله دوم بازی با ابزار قمار بدون برد و باخت است که حرمت آن مورد شک است حتی با صدق عنوان قمار.

بازی با شطرنج اگر همراه با برد و باخت باشد مانند سایر بازی ها و مسابقات به جز مواردی که استثناء شده است حرام است. پس مبانی فقهی (قرآن، سنت، اجماع، عقل) و مبانی حقوقی (قانون اساسی، قانون عادی و عرف) در امور ورزشی با توجه به این مطالب وجود دارد.

منابع و مراجع

- [۱] آمدی، عبدالواحد، (بی تا). غررالحکم و ڈررالکلم (مجموعه کلمات قصار حضرت علی (ع))، جلدهای ۱ و ۲، بی جا، ترجمه: محمد علی انصاری القمی.
- [۲] ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۹۵۵ م). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ اول.
- [۳] انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ ق). مکاسب، مترجم: ذهنی تهرانی، سید محمد جواد (۱۳۷۳ ش)، چاپ شده در «تراث الشیخ الاعظم»، جلد ۱۴، چاپ اول. «مصباح الفقاهة»، سید ابوالقاسم خویی، جلد ۱، وجدانی. انتشارات دار الحکمه.
- [۴] توحیدی، محمدعلی، (۱۴۱۷ ق). مصباح الفقاهه، جلد اول، تقریرات درس ابوالقاسم خویی، چاپ چهارم، قم: انصاریان لتابعه و النشر.
- [۵] حرّ عاملی، محمدبن حسن. وسایل الشیعه، حدیث ۱؛ مترجم: علی افراسیابی (۱۳۶۸ ش). محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، مترجم: جواد مصطفوی، (۱۳۷۱ ش)، دار الکتب الاسلامیه، تهران: جلد ۵، ص ۵۰؛ عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح آقا جمال خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۳۳.
- [۶] حنبلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۱ ق). مسند، ج ۲، ترجمه: علی نصیری (۱۳۷۳)، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ص ۴۷۴؛ ابو داود زدی، سنن، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۲۹؛ ابن ماجه، سنن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۹۶۰؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن، دار الجلیل، بیروت، ج ۶، ص ۲۲۶.
- [۷] خمینی، روح الله. (۱۴۱۰ ق) صحیفه نور، مجموعه رهنمودها، جلد ۲۱، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- [۸] _____ (۱۳۸۱ هـ ق)، مکاسب محرمه، جلد ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
- [۹] خوانساری، سیداحمد. (۱۳۷۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. جلد ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دهم.
- [۱۰] _____ (۱۴۱۲ هـ ق) مشارق الشموس، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم.
- [۱۱] زحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ هـ = ۱۹۹۷ م). الفقه الاسلامی وأدلته، دمشق: دارالفکر، جلد ۵.
- [۱۲] سبزواری، محمد باقر بن محمد بن مؤمن (محقق سبزواری)، (بی تا) کفایة الاحکام، بی جا: چاپ سنگی.
- [۱۳] شیرازی، سیدمحمد. (۱۳۹۹ ق). الفقه « کتاب السبق و الرمايه ». قم: مطبعة سیدالشهداء
- [۱۴] طباطبایی، علی، (۱۴۱۵ ق). ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی لتابعه للجماعة المدرسین.
- [۱۵] عاملی، سعید زین الدین. (۹۵۶ ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد ۲، ترجمه: علی شیروانی (۱۳۷۶)، قم: انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، چاپ سی و یکم.
- [۱۶] _____ (۱۴۱۴ هـ = ۱۹۹۳ م). مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، جلدهای ۴ و ۳ و ۶، مؤسسه المعارف الاسلامیة طبقه الاولى، ۱۴۱۵ هـ ق، ج ۴.
- [۱۷] عسگری، ابوهلال. (۳۸۵ ق). الفروق فی اللغة، ترجمه: علوم مقدم (۱۳۶۸). مشهد: انتشارات قدس رضوی، چاپ اول.
- [۱۸] فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. (بی تا). مفاتیح الشرائع. قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ پنجم.
- [۱۹] مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۶ هـ . ش). مرآة العقول، جلد ۱۸، تهران: دارالکتب الاسلامیة .
- [۲۰] مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵ ش). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا، چاپ هجدهم.
- [۲۱] مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۶ ق). اصول الفقه، جلد ۲، قم: انتشارات المعارف الاسلامیه، چاپ بیست و سوم.
- [۲۲] معین، محمد (۱۳۶۰ ق). فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.
- [۲۳] نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۵ هـ ش). جواهر الکلام، ج ۲۸، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم.